

مبانی رهبری در اسلام

قسمت دوازدهم

حجة الاسلام والمسلمین محمّدی ری شهری

«الزموا مودتنا اهل البیت فإِنَّه من لَفِی الله عزّوجلّ وهو یودّنا
دخل الجنة بشفاعتنا، والذی نفس یدیه لا ینفع عبداً عمله إلا
بمعرفة حقنا».

ملازم مودت ما خاندان باشید که هرکس با مودت ما خاندان خدا
را ملاقات کند یا شفاعت ما قطعاً وارد بهشت می شود، قسم به آنکه
چنانم در دست قدرت اوست، عمل کسی برای او سودمند نیست
مگر با شناخت حق ما.

این حدیث را هیشمی در «مجمع ۹ ص ۱۷۲» و ابن حجر در
«صواعق» و محمد سلیمان محفوظ در «اعجب ما رأیت - ۱ ص ۸» و
بسهانی در «شرف المؤمنین ص ۹۶» و حضرمی در «رشفة الصاری
ص ۴۳» روایت کرده اند.^۱

خوارزمی در کتاب مناقب از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت
کرده که خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«یا علی! لو أن عبداً عبد الله عزّوجلّ مثل ما قام نوح فی قومه
وكان له مثل أحد ذهباً فأأنفقه فی سبیل الله ومدّ له فی عمره
حتى حجّ الف عام علی قدمیه، ثمّ قتل بین الصفا والمروة
مظلوماً، ثمّ لم یوالک یا علی! لم یسّم رائحة الجنة ولم
یدخلها».^۲

ای علی! اگر بنده ای خدا را بندگی کند به آن اندازه که نوح در
قومش به نبوت قیام کرد! و مانند کوه احد طلا داشته باشد و در راه
خدا اتفاق کند! و عمرش طولانی شود تا هزار سال پیاده حج رود!
پس از اینهمه میان صفا و مروه مظلوم کشته شود ولی ولایت تو را
نپذیرد بوی بهشت را استشمام نمی کند و داخل آن نمی گردد!!!
امام صادق از پدرش از جدش علیهم السلام روایت کرده که

ادامه بحث و بررسی درباره جایگاه امامت و رهبری از نظر احادیث اسلامی:

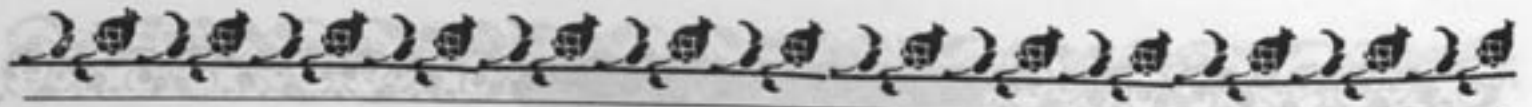
شرط اصلی تکامل

بر اساس مبانی اعتقادی اسلام، تکامل و یا انحطاط انسان در گرو
دستاوردهای عقیدتی و اخلاقی و عملی اوست، قرآن کریم تصریح
می کند که:

«کل نفس بما کسبت رهینة».^۱

هرکس در گرو دستاوردهای خویش است. شوشکا و علوم انسان
برای وصول به قلّه تکامل انسانیت راهی جز ایمان و عمل صالح
نیست، نیکبها انسان را به تدریج کاملتر می کند تا آنجا که به کمال
مطلق واصل گردد، نکته بسیار مهم در این رابطه آن است که از نظر
اسلام نقش عقاید و اخلاق و اعمال شایسته، در تکامل انسان به نحو
اقتضاء است و نه بصورت علت تاّمه، این مقتضی برای اینکه علت تاّمه
شود و موجب تکامل انسان گردد یک شرط اصلی دارد و آن عبارت
است از اعتقاد و التزام عملی به اصل ولایت و رهبری الهی، بدون این
شرط هیچ عمل صالحی پذیرفته نیست و کمترین اثری در تکامل انسان
ندارد، این واقعیت در روایات متعددی از طریق شیعه و سنی مورد
تأکید قرار گرفته است، چند نمونه از این احادیث را ذیلاً ملاحظه
می فرمائید:

طبری در کتاب «اوسط» از طریق ابی لیلی از سبط شهید
حسین بن علی علیهما السلام از رسول اکرم صلی الله علیه وآله روایت
کرده:



فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که قنبر او را همراهی می کرد در مسجد کوفه در حال عبور مردی را دید که مشغول نماز خواندن است.

قنبر که از کیفیت نماز خواندن او خیلی خوشش آمده بود، خطاب به امام عرض کرد: ندیدم کسی به این زیبایی نماز بخواند!
امیرالمؤمنین علیه السلام برای توضیح و تأکید بر این نکته مهم که بدون اصل ولایت و رهبری الهی هیچ عملی پذیرفته نیست و کمترین نقش را در تکامل انسان ندارد چنین فرمود:

«یا قنبر فوالله لرجل علی یقین من ولایتنا اهل البیت خیر من له عبادة الف سنة، ولو ان عبداً عبد الله ألف سنة لا یقبل الله منه حتی یعرف ولایتنا اهل البیت، ولو ان عبداً عبد الله الف سنة وجاء بعمل اثنين وسبعین نیئاً ما یقبل الله منه حتی یعرف ولایتنا اهل البیت...»^۱

ای قنبر به خدا سوگند هرآنکه کسی که ولایت ما را بخواند و باور دارد بهتر است از کسی که هزار سال عبادت داشته باشد، اگر کسی هزار سال خدا را عبادت کند خداوند از او قبول نمی کند و ولایت ما را بپذیرد. اگر کسی هزار سال خدا را عبادت کند و عمل هفتاد و دو پیغمبر را بیاورد خداوند نمی پذیرد تا ولایت ما بخاندان را بپذیرد...

ابوسعید خدری می گوید از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود:

«لو ان عبداً عبد الله الف عام مابین الرکن والمقام ثم ذبح کعبه یم ذبح الکبش مظلوماً لبعثه الله مع النفر الذین یفندی بهم ویهتدی بهداهم ویسیر بسیرتهم، ان جتة فجتة وان نارا فبارء»^۲
اگر بنده ای میان رکن و مقام هزار سال خدا را عبادت کند و پس از این عبادت سنگین و طولانی مانند گوسفند مظلومانه ذبح شود در قیامت خداوند او را همراه با رهبرانی مبعوث می کند که به آنان اقتدا می کرده و از آنها رهنمود می گرفته و به روش آنها عمل می نموده! اگر آنها اهل بهشت باشند او نیز اهل بهشت است و اگر آنها اهل دوزخ باشند او نیز اهل دوزخ است.

این احادیث و مانند آن در واقع بیان دیگری از حدیث متواتر نقلین و یا تبیین و تفسیر آن است که عترت از قرآن جدا نیست و شرط اصلی بهره گیری درست از قرآن و پیام های آن، پیروی از امامت و رهبری الهی است، بدون این شرط، عقاید و اخلاقیات و اعمال صالحه ای که قرآن جامعه بشر را بدان دعوت می کند نمی توانند نقش خود را در تکامل انسان ایفا نمایند به همان دلیلی که به طور مشروح در تبیین

فلسفه امامت ذکر شد.

قرآن کریم این واقعیت را به شکل ظریفی در آیه ۸۲ از سوره طه بیان فرموده است، متن آیه کریمه این است:

«وأتى لفقار لمن ناب وآمن وعمل صالحاً ثم اهتدى».

والت من بسیار آمرزنده ام کسی را که توبه کند و ایمان آرد و کار نیکو انجام دهد و پذیرای هدایت باشد.

مرحوم علامه طباطبایی پس از توضیحات دقیقی که در تفسیر این آیه کریمه دارند درباره استنباط شرطیت التزام عملی به ولایت در مفید بودن ایمان و عمل صالح، از آن چنین می فرماید:

«در کلام خدای تعالی قید و شرطی که ایمان به خدا و عمل صالح را در تأثیرش و قبولش نزد خدا مقید و مشروط کند نمی بینم مگر همین قید که شخص به رسول هم ایمان داشته باشد، به این معنا که تسلیم رسول باشد، و او را در هر کاری و امری چه بزرگ و چه کوچک اطاعت کند و دین خود را از او بگیرد او راهی را که او پیش پایش گذاشته سلوک نماید، و بدون هیچ استبداد از او پیروی کند...»

و سخن کوتاه، ولایت رسول بر مؤمنین در دینشان و دنیاشان قیدی است که ایمان به خدا و عمل صالح را مقید کرده، زیرا خدای تعالی ولایت رسول را تشریح، و اطاعتش را واجب فرموده، مردم باید از او اخذ کنند و به او تأسی جویند، و این مطلب در آیات بسیار زیادی تذکر داده شده، که از بسیاری از آنها به حاجتی به ایراد آن است و نه مجالی برای شمردن یک یک آن... پس معلوم شد که مراد از اهتداء در آیه شریفه همان شرطی است که سایر آیات قرآنی نیز بدان راهنمایی فرموده و آن عبارت است از پیروی پیغمبر در امر دین و دنیا و به عبارت دیگر اهتداء به ولایت رسول خدا (ص) است»^۳

توضیح بیشتر در این زمینه را در مقاله آتی ملاحظه خواهید فرمود.

ادامه دارد

۱- المعارج- ۳۸.

۲- الغدير- تألیف علامه امینی- ج ۲ ص ۳۰۱ / بحار الانوار- ج ۲۷ ص ۱۷۰ بنقل امامی این الشیخ. برای آگاهی بیشتر با احادیث فریقین در این زمینه مراجعه کنید به الغدير- ج ۲ ص ۳۰۱، ۳۰۵ و بحار الانوار- ج ۲۷ ص ۱۶۶ باب ۷ «انه لا تقبل الاعمال الا بالولایة».

۳- الغدير- ج ۲ ص ۳۰۲ بنقل از مناقب خوارزمی ص ۳۹.

۴- بحار الانوار- ج ۲۷ ص ۱۶۶.

۵- بحار الانوار- ج ۲۷ ص ۱۸۰.

۶- ترجمه تفسیر المیزان- ج ۱۴ ص ۲۸۷ و ۲۸۸.